

مقدمه گزارش عملکرد کشورها در حوزه حقوق بشر در سال 2010

وزارت امور خارجه

اداره دموکراسی، حقوق بشر و کار

8 آوریل 2011

گزارش حاضر حاوی اطلاعات مشروح و جامعی پیرامون شرایط حقوق بشر در بیش از 190 کشور در سال 2010 است. اما با توجه به اینکه این گزارش سه ماه پس از آغاز سال نو منتشر می‌گردد، دیدگاه‌های ما در بسیاری از مسائل تحت تأثیر تغییرات شگرفیست که در سال 2010 کشورهای خاورمیانه را در بر گرفته است. ما در این لحظه قادر به پیش‌بینی نتیجه این تغییرات نیستیم و از آثار بلند مدت آنها تا سال‌ها بعد خبر نخواهیم داشت. شرایط داخلی هریک از این کشورها متفاوت است، بنا بر این، نمی‌توانیک تحلیل کلی از تمامی منطقه ارائه کرد. در کشورهایی مانند تونس و مصر، شاهد مطالبات مردمی برای مشارکت سیاسی، آزادی‌های اساسی، فرصت و امکانات اقتصادی بیشتر هستیم. اینها مطالباتی عمیق، مردمی، بومی اند که به وسیله فعالان جدیدی که بخش عده‌ای از آنان را جوانان تشکیل می‌دهند برانگیخته شده اند. شهر و ندان این کشورها خواهان تشکیل دموکراسی‌های پایدار با دولت‌هایی هستند که حقوق جهانشمول بشر مردم خود را رعایت کنند. اگر موفق شوند، شرایط خاورمیانه، و به همراه آن، شرایط تمامی دنیا بهبود خواهد یافت.

ایالات متحده با علم به اینکه گذار به دموکراسی عملی خود به خود نیست و مستلزم زمان کافی و توجه دقیق است، همچنان شرایط این کشورها را به دقت زیر نظر خواهد داشت. ما در مصر، در انتظار لغو وضعیت فوق العاده هستیم که طبق وعده شورای عالی نوروهای مسلح، قرار است تا پیش از برگزاری انتخابات پارلمانی به تحقق پیوندد. در تونس، تشکیل کمیته حقیقت‌یاب به منظور تحقیق در مورد موارد نقض حقوق بشر که در جریان قیام مردمی این کشور به وقوع پیوست باعث دلگرمی و امنی دواری ماست.

در حالی که ما به اینها و دیگر پیامدهای کوتاه مدت می‌پردازیم، مورخان با برخورداری از مزیت گذشت زمان و چشم انداز روشن در فهم عوامل بروز این جنبش‌های مردمی ما را باری خواهند کرد. اما در این میان بدیهی است که سه روند در دامن زدن به این رویدادها و دیگر تحولاتی که در سال 2010 در سرتاسر جهان رخداد نقش داشته‌اند. نخست، رشد انفجاری سازمان‌های غیردولتی فعال در طیف گسترده‌ای از مسائل و عوامل مربوط به دموکراسی و حقوق بشر است. پنجاه سال پیش، هنگامی که سازمان عفو بین‌الملل تشکیل شد، تعداد اندکی از کشورهای خارج از آمریکای شمالی و اروپای غربی دارای سازمان‌های حقوق بشر محلی بودند. امروز، سازمان‌های حقوق بشر محلی تقریباً در همه کشورهای جهان وجود دارند. رشد این سازمان‌ها چشمگیر بوده است و این تشكل‌ها و سازمان‌های متعلق به شهر و ندان، در بسیاری از کشورها به رغم سختی ها و مشکلات فراوان و تنها به این دلیل تشکیل شده اند که فعالان حقوق بشر حاضر به استقبال از مخاطرات عظیم شخصی بوده اند. هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه، اهمیت این سازمان‌ها را در نطقی در ژوئیه 2010 در همایش جامعه دموکراسی‌ها که در شهر کراکوف، کشور لهستان برگزار شد خاطرنشان کرد. به گفته کلینتون، "جوامع هنگامی پیش‌رفت می

کنند که شهروندانی که این گروه‌ها را تشکیل می‌دهند برای تبدیل منافع مشترک به اقدامات مشترکی که در جهت خیر و صلاح همگان است توانمند شوند."

در جوامع بسته که حکومت‌های سرکوبگر با ایجاد فضای اختناق هرگونه بحث و گفتگو در مسائل حساس سیاسی و اجتماعی را مهار و خاموش می‌کنند، دولت‌ها این سازمان‌های محلی متعلق به شهروندان را بجای منبع سرمایه، عامل تهدید می‌انگارند و مدافعان دموکراتی و حقوق بشر در معرض رفتارهای فوق العاده تندی قرار می‌گیرند. به عنوان مثال، در کشور بلاروس، بیش از 700 فعال دموکراتی خواه، از جمله هفت نامزد انتخابات ریاست جمهوری، درتظاهرات عمومی پس از انتخابات ریاست جمهوری دسامبر 2010 که با اشکالاتی برگزار شد دستگیر شدند. در هفته‌های پس از این وقایع، دفاتر کار و خانه‌های نمایندگان جامعه مدنی، روزنامه نگاران مستقل، و فعالان به عنوان بخشی از اقدامی که در جهت سرکوب فعالیت مستقل سیاسی و آزادی بیان به عمل آمد مورد هجوم و نتفیش قرار گرفت.

در چند سال اخیر، بیش از 90 دولت با تصویب قوانین و مقررات محدود کننده، مانع آن شده‌اند که سازمان‌ها و تشکل‌ها خود را به ثبت برسانند، آزادانه فعالیت کنند، و از منابع خارجی بودجه دریافت دارند. در ماه دسامبر در کامبوج، پیش‌نویس قانونی که با سازمان‌های غیردولتی در ارتباط است پیشنهاد شد، نمونه‌گویایی از این دست تحرکات است. این قانون در صورت تصویب الزامات سختی را از نظر ارائه گزارش بر سازمان‌های غیردولتی تحمل می‌کند، موانع قابل توجهی را در مسیر اخذ مجوز رسمی سازمان‌های غیردولتی خارجی به وجود می‌آورد، سازمان‌های غیردولتی خارجی را مکلف به همکاری با دولت می‌کند، و فعالیت سازمان‌های غیردولتی فاقد مجوز را منوع می‌سازد. در کشور اندیپی، یک قانون، جدید ناظر بر فعالیت سازمان‌های غیردولتی در ماه فوریه، پس از مهلت یک ساله به اجرا گذاشته شد. طبق این قانون، سازمان‌های خیریه، جوامع و انجمن‌هایی که بیش از 10 درصد بودجه خود را از منابع خارجی دریافت کنند، از فعالیت در برخی زمینه‌ها محرومند. این زمینه‌ها عبارتند از ترویج حقوق بشر و دموکراسی؛ حقوق کودک و افراد معلول؛ برابری میان ملت‌ها، ملیت‌ها، مردم، جنسیت‌ها، و ادیان؛ حل اختلاف‌ها آشتی؛ و ترویج عدالت. در خلال این دوره یک ساله، سازمان‌های اصلی مدافع حقوق بشر اندیپی به دو شکل خود را با شرایط جدید تطبیق دادند؛ آنها یا به عنوان سازمان‌های خیریه محلی مجدداً ثبت نام کردند، که در این صورت از دریافت بیش از 10 درصد بودجه خود از اهداء کنندگان خارجی محرومند، یا به عنوان "سازمان‌های خیریه مقیم" بارگذاری نهادهای ثبت نام دادند، که در این صورت دریافت بودجه از اهداء کنندگان خارجی مجاز است اما از فعالیت در زمینه‌های ذکر شده محرومند. پیش از اجرای قانون سازمان‌های جامعه مدنی، 3522 تشكیل ثبت شده در این کشور داشتند؛ این رقم پس از اجرای قانون مذکور به 1655 رسید.

هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه، در نطق خود در کرافت با اشاره به "گروهی از کشورها که سازمان‌های مدنی در آنها از هر طرف تحت فشارند"، و هشدار اینکه وقتی "دولت‌ها شهروندان خود را از حق همکاری با یکدیگر محروم می‌کنند، همان همکاری ای که در سرتاسر تاریخ وجود داشته، جوامع دچار رکود و انحطاط می‌شوند"، وجود این محدودیت‌های نگران کننده را تصدیق کرد. همانطور که در خاورمیانه و دیگر نقاط جهان شاهد بوده‌ایم، دولت‌ها نمی‌توانند جامعه مدنی را تا ابد سرکوب کنند، و این قبیل سرکوبی‌ها هرگز مشروعیت ندارند.

دومین روند مهم، رشد چشمگیر اینترنت، تلفن همراه، و فناوری‌های ارتباط آفرین دیگری است که امکان ارتباط آنی می‌لیاردان انسان را در سراسر جهان فراهم می‌کنند. همانطور که خانم کلینتون اخیراً در نطقی در خصوص آزادی اینترنت خاطرنشان کرد، اینترنت به میدان شهر قرن بیست و یکم مبدل شده است. درباره تأثیر این فناوری‌های وصل کننده در

بسیج مردم مصر و تونس در هفته‌ها و ماه‌های پیش از آغاز تظاهرات مطالب زیادی گفته و نوشته شده است. در حالی که این شجاعت مردم است که راه را باز کرد و این جنبش‌ها را به حرکت آورد، تأثیر تقویت کننده این فناوری‌های نوین، و امکان پخش تصاویر ضبط شده تلفن‌های همراه مردم از شبکه‌های تلویزیونی و اینترنت، البته قابل انکار نیست.

امروز در گستره‌ای که اکثر کشورهای جهان را در بر می‌گیرد پیش از دو میلیارد انسان به اینترنت دسترسی دارند و قریب به پنج میلیارد مشترک و شماره تلفن همراه وجود دارد. پیش‌بینی می‌شود که تعداد این شماره‌ها در 15 سال آینده به طور چشمگیری افزایش یابد. و همانطور که افراد بیشتری به این فناوری‌های فوق العاده دسترسی می‌یابند و از آنها برای جمع آوری و پخش اطلاعات حقوق بشر و ارتباط با فعالان دیگر استفاده می‌کنند، دولت‌های بیشتری وقت و پول و توجه بیشتری را به محدود ساختن دسترسی به این وسائل ارتباطی نوین اختصاص می‌دهند. در حال حاضر، پیش از 40 دولت ترکیبی از مقررات محدودکننده، روش‌های فنی کنترل دسترسی به اینترنت، و فناوری‌های مخصوص سرکوب سخن و تجاوز به حریم خصوصی کاربران این فناوری‌های به سرعت در حال تحول را به کار می‌گیرند.

دولت عربستان سعودی، در سال 2010، محدودیت‌هایی را در دسترسی به اینترنت اعمال کرد و مخل حریم خصوصی شهروندان در هنگام استفاده از اینترنت شد. کمیسیون ارتباطات و فناوری اطلاعات کشور در اقدامی ناشایست نامه‌های الکترونیکی و تالارهای گپ اینترنتی را زیر نظر گرفت و تارنماهای مختلفی، از جمله تارنماهای مربوط به آئین هندو، آئین یهود، مسیحیت، و برخی اشکال اسلام را که مغایر با قانون شرع و مقررات ملی تلقی می‌شود مسدود کرد. در سودان، دولت ارتباطات اینترنتی را زیر نظر داشت و در جریان انتخابات، تارنماهی Sudan Vote Monitor را مسدود کرد. دولت چین محتوا و دسترسی به اینترنت را به شدت زیر کنترل داشت و افرادی را که در انقاد از دولت و یا سیاست‌های آن دیدگاهی مطرح می‌کنند دستگیر کرد. در ویتنام، دولت حملاتی را بر ضد تارنماهای منتقد سازمان داد و فعالیت‌های وبلاگ نویسان دیگراندیش را زیر نظر گرفت. در طی سال، بیست و پنج دیگراندیش دستگیر شدند و پیس به زور وارد خانه‌های تعدادی دیگر شد و رایانه‌های شخصی، تلفن‌های همراه، و اشیاء دیگری را ضبط کرد.

سومین روند، که در جهت منفی در جریان است، ادامه تشدید خشونت، آزار، و تبعیض اجتماعی علیه گروه‌های آسیب پذیر و بعض‌اً اقلیت‌های نژادی، مذهبی، یا قومی و یا اکثریت‌هایی است که از آنها سلب قدرت شده است. این الگوی تبعیض، در کشورهای بسیاری، در مورد زنان، کوکان، معلولان، بومیان و همجنس‌گرایان مرد و زن، دو جنسگرایان و تغییر جنسیت دادگان (LGBT)، و اعضای گروه‌های آسیب‌پذیر که فاقد قدرت سیاسی برای دفاع از خود هستند نیز مصدق داشت. اعضای این گروه‌ها، اغلب از فرستاده‌های اقتصادی و یا امکان زندگی طبق آداب و رسوم فرهنگی خود محروم و یا از لحاظ امکان آزادی سخن، تجمع یا تشكیل مسالمت آمیز با محدودیت‌هایی مواجه بودند.

در پاکستان، نقض آزادی مذهبی و خشونت و تبعیض بر ضد اقلیت‌های دینی ادامه داشت. از قوانین مربوط به اهانت به مقدسات به عنوان حربه‌ای برای آزار و ایجاد مزاحمت برای اقلیت‌های دینی و همجنین مسلمانان آسیب‌پذیر و مسلمانان دارای دیدگاه‌های اقلیت‌های استفاده شد. (در دو ماه نخست سال 2011، دو مسئول ارشد دولتی که این قوانین را علناً به چالش کشیده بودند به طور بی‌رحمانه ای به قتل رسیدند). در عربستان سعودی، آزادی دین به شدت محدود شد و رفتار تبعیض آمیز با افراد دارای گرایش‌های مذهبی خاص امری عادی بود. در چین، دولت همچنان به تبلیغات منفی خود بر ضد دلالی لاما و سرکوب شدی د مسلمانان اویغور در شیونجیانگ و بودایی‌های تبت ادامه داد. گزارش‌هایی از افزایش اعمال یهود ستیز در نقاط مختلف جهان دریافت شد که تخریب گورستان، شعار نویسی دیواری، رجزخوانی‌های مربوط به افترای

خون، و همچنین انکار هولوکاست ، تجدید نظر طلبی، و نفاخر از جمله آنهاست. افزایش های مقطوعی یهود سنتی در خالل تحولات خاورمیانه نیز به چشم خورد.

افراد در نقاط مختلف جهان، همچنان به خاطر گرایش جنسی یا هویت جنسیتی خود مورد تبعیض و ارعاب قرار داشتند. کشور هندوراس شاهد افزایش ناگهانی قتل اعضای جامعه LGBT توسط مهاجمان ناشناس بود. در همین حال، در بسیاری از کشورهای آفریقا، خاورمیانه، و دریای کارائیب، روابط همجنس گرایان طبق قانون جرم شناخته می شود و دولت، با استفاده از این نوع قوانین و سیاست ها، تبعیض و نابردباری اجتماعی را تشویق و تشیدی می کند. به عنوان مثال، در کشور اوکاندا، ارعاب و آزار افراد LGBT در طی سال شدت گرفت و برخی چهره های دولتی و مذهبی این افراد را مورد تهدید قرار دادند.

مشکل بهره کشی از کارگر نیز در کشورهای بسیاری وجود داشت که این امر در مواردی با تهدید کارگرانی همراه بود که می خواستند به تشکیل اتحادیه مبادرت کنند. دولت ازبکستان در سال 2010 برای کار دیگر هزاران کودک و بزرگسال را برای کارگر اجباری در فصل برداشت پنبه بسیج کرد. در بنگلادش، شرایط نامناسب کار باعث مرگ بی جهت افراد به ویژه در صنعت پوشک شد. بنگلادش در طی سال صحنۀ نازاری های مکرر کارگری و در مواردی مرگبار به ویژه در بخش پوشک از پیش آمده و مناطق فراوری صادرات بود.

این روندها در بخش بعدی، که شامل 27 کشور است، بیشتر توضیح داده می شوند. در بخش اهم نکات کشورها، نمونه های روشنی از روندهای مربوط به حقوق بشر در سال 2010 ارائه می شود. در برخی از این کشورها، تحولات یا منفی، و یا کارنامۀ آنها از نظر حقوق بشر حاوی ترکیبی از تحولات مثبت و منفی است. در بقیه کشورهای موجود در فهرست زیر، روندهای مثبت سال 2010 مرور می شود. بخش اصلی این گزارش حاوی اطلاعات به مراتب دقیق تری از این 27 کشور و 167 کشور دیگر است.

سال 2010 سی و پنجمین سال تپیه گزارش عملکرد کشورها در حوزه حقوق بشر وزارت امور خارجه است. گزارش امسال شرایط حقوق بشر را در 194 کشور پوشش می دهد. آنچه در اواسط دهه 1970 پیرو مصوبه کنگره مبنی بر تپیه گزارشی از وضعیت حقوق بشر در کشورهای دریافت کننده کمک های مالی آمریکا آغاز شد، به گزارش تحالی مژوهی از شرایط حقوق بشر در کلیه کشورهای عضو سازمان ملل تبدیل یافته است. گزارش های کشوری وزارت خارجه با ارایه یک نمای کلی از وضعیت حقوق بشر در جهان، به عنوان ابزاری برای افزایش آگاهی نسبت به شرایط حقوق بشر، به ویژه در هنگامی که این شرایط بر سلامت و بهروزی زنان، کودکان، اقلیت های نژادی و مذهبی، قربانیان تجارت انسان، اعصابی گروه های بومی و جوامع قومی، معلولان، اقلیت های جنسی، آوارگان، و اعصابی گروه های آسیب پذیر تأثیر می گذارند، کارسازند.

با گسترش دایره پوشش گزارش های وزارت خارجه، موارد استفاده از این گزارش ها نیز در سراسر جهان گسترش یافته است. این گزارش ها، علاوه بر ارایه داده هایی به کنگره و آگاه سازی برای اخذ بهترین تصمیمات بودجه ای و سیاست گذاری، در سراسر دولت آمریکا و در بسیاری از دولت های خارجی نیز مورد استفاده قرار می گیرد. و نکته مهم، اینکه این گزارش ها به طور فزاینده ای توسط شهروندان و سازمان های غیردولتی به عنوان منابع حیاتی اطلاعات درباره تحولات

جهان مورد استفاده قرار دارند. به منظور تسهیل هرچه بیشتر استفاده مشترک از این اطلاعات، گزارش‌های کشوری به بیش از 50 زبان مختلف ترجمه می‌شوند و در فضای اینترنت در دسترس عموم قرار می‌گیرند.

دولت ایالات متحده گزارش حقوق بشر را به این دلیل تهیه می‌کند که معتقد است رعایت حقوق بشر باید بخش جدایی ناپذیر سیاست خارجی همه کشورها، از جمله کشور خود ما باشد. و این گزارش‌ها به عنوان نوعی از بررسی و تحلیل جامع ارائه می‌شوند.

وضعیت حقوق بشر در آمریکا در این گزارش‌ها ملحوظ نشده، هرچند این دولت متعهد است که هم‌زمان با بررسی عملکرد کشورهای دیگر، نگاهی دقیق و انتقادی هم به عملکرد خودمان در این مسائل بیاندازد. ایالات متحده، در ماه نوامبر، اولین گزارش خود را در بارهٔ وضعیت حقوق بشر در آمریکا، در قالب طرح بررسی کلی ادواری، به شورای حقوق بشر سازمان ملل متحده در ژنو تسلیم کرد. در تهیه این گزارش، رایزنی‌های گسترده‌ای با طوف وسیعی از سازمان‌های جامعه‌مندی و رهبران جامعه سرخپوست کشور انجام شد. در ماه گذشته، ما بار دیگر در اجلاس شورای حقوق بشر سازمان ملل متحده حاضر شدیم تا در مورد اقداماتی گزارش دهیم که در پاسخ به توصیه‌های دریافت شده از کشورهای دیگر صورت گرفته است.

ما همچنین پیرو تعهدات معاهده‌ای کشور، کارنامه حقوق بشر آمریکا را به طور مستمر گزارش می‌دهیم. در ژانویه 2010، گزارش‌های ادواری پیرامون اجرای پروتکل‌های اختیاری کنوانسیون حقوق کودک را ارائه کردیم. در سال 2011، یک سلسله گزارش‌های ادواری را پیرامون اجرای معاهده بین‌المللی حقوق مندی و سیاسی، کنوانسیون منع شکنجه، و کنوانسیون حذف تبعیض نژادی ارائه خواهیم کرد. در سال 2010، برای نخستین بار، بخشی در مورد ایالات متحده به گزارش تجارت انسان وزارت امور خارجه اضافه شد و ایالات متحده را با همان معیارهایی می‌سنجدیم که در مورد سایر کشورها اعمال می‌کنیم.

نکته پایانی در خصوص تهیه این گزارش‌ها، یکصد و نود و چهار گزارش کشوری حاضر، اگر کامل نباشند، بسیار جامع هستند. تهیه آنها کار عظیمیست که نیازمند تلاش فوق العاده گروهی از مسئولان پر استعداد و متعهد ایالات متحده در سفارتخانه‌های کشور در سراسر جهان و همتایان آنها در واشنگتن دی سی اعم از کادر متعهد اداره دموکراسی، حقوق بشر، و کار و کارگری است. هریک از گروه‌های کشوری اطلاعات لازم را از منابع مختلف، از جمله سازمان‌های مدافع حقوق بشر داخلی و بین‌المللی، دولت‌های دیگر، سازمان‌های چندجانبه، و اعضای جامعه‌مندی جمع‌آوری، و سپس تحلیل و تلفیق می‌کند. نسخه پیش‌نوسی‌س گزارش‌ها به منظور اطمینان از درستی و بی‌طرفی مطالب با دقت ویرایش، مرور و از لحاظ صحبت اطلاعات بررسی می‌شود.

اهم نکات کشورها

در سال 2010، دولت‌های مختلف جهان همچنان مرتکب موارد شدید نقض حقوق بشر شدند. شرحی از وضعیت حقوق بشر و روندهای کلیدی در کشورهای خاصی که موارد نقض در آنها خصوصاً شدید بود در پارagraf‌های زیر ذکر شده است. اوکراین نیز در این بخش مورد اشاره قرار گرفته که دلیل آن پسروی این کشور در سال 2010 پس از تحولات مثبت در سال‌های پیشتر است. این بخش با بحث کوتاهی در مورد چند کشور - کلمبیا، گینه، و اندونزی - آغاز می‌شود که به دلیل تحولات مثبت چشمگیر حقوق بشری در سال 2010 مورد اشاره قرار گرفته اند.

کلمبیا از کشورهایی است که در حوزه حقوق بشر، موارد بهبود قابل توجهی را تجربه کرد. پر زی دنت سانتوس و دولت او، کمی پس از آغاز کار در ماه اوت، با برگزاری جلسات مشورتی بلند پایه، اعلام حمایت از مدافعان حقوق بشر و آغاز گفتگو با آنان، و پشتیبانی از اقدامات دایر بر تشدید مجازات تهدید و خشونت ورزی با مدافعان حقوق بشر، رابطه دولت را با جامعه مدنی و مدافعان حقوق بشر تحکیم کرد. دولت این کشور به منظور بازگرداندن زمینهای و جبران خسارات واردہ به قربانیان، قانون زمین و قربانیان را اجرا کرد. اعدام های فرماضایی نسبت به سال های 2008 و 2009 به میزان چشمگیری کاهش یافت و چند افسر ارشد نظامی به دلیل نقض حقوق بشر محکوم شدند. نقض حقوق بشر در مواردی ادامه داشت که تهدید مدافعان حقوق بشر و مسئولان اتحادیه های صنفی از جمله این موارد است. وزارت دفاع این کشور به منظور بررسی تدبیر و سیاست های این وزارتخانه و پیروی هرچه بیشتر از مبانی حقوق بشر، اجرای توافقنامه ای را با دفتر کمیسواری عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد آغاز کرد.

در دسامبر 2010، مراسم تحلیف اولین رئیس جمهوری برندۀ انتخاب دموکراتیک گینه پس از استقلال این کشور از فرانسه در سال 1958 برگزار شد. مردم این کشور در انتخاباتی که در دو دور برگزار شد، آلفا کنده، رهبر قدیمی جناح مخالف و نامزد حزب خلق گینه را به عنوان رئیس جمهوری خود برگزیدند. اگرچه خشونت هایی پس از برگزاری دور دوم رخ داد، اما این انتخابات به طور کلی آزاد و منصفانه دانسته شد.

شرایط در اندونزی از لحاظ رعایت حقوق بشر در سال 2010 و 12 سال پس از گذار این کشور به دموکراسی همچنان رو به بهبود بود. اگرچه نظام دادگستری این کشور همچنان با ضعف هایی روبرو بود، اما پر زی دنت سوسیلو بامبانگ یودویونو که در انتخابات دموکراتیک ژوئیه 2009 مجدداً انتخاب شد، به شدت از اصل حاکمیت قانون و پاسخگویی حمایت کرد و جامعه مدنی و رسانه های این کشور در زمرة بانشاط ترین آسیا هستند. روند حرفة ای سازی نیروهای مسلح کشور ادامه داشت، اما این در حالیست که نظامیان مرتکب موارد نقض شدی حقوق بشر بخصوص در پاپوا شدند و مجازات، در مواردی که وضع شد، اغلب با جرایم ارتکابی متناسب نبود.

آفریقا

ساحل عاج سال 2010 را با اختلاف دو نامزد رقیب مقام ریاست جمهوری به پایان برد. این پس از انتخابات ماه اکتبر است که لوران باگبو، رئیس جمهوری کشور و نامزد جبهه خلق ساحل عاج، و آلان واتارا، نامزد حزب جمهوری خواه این کشور، در 28 نوامبر به دور دوم انتخابات راه یافته‌اند. در 2 دسامبر، واتارا با 54.1 آرا در مقابل باگبو، با 45.9 درصد آرا توسط کمیسیون مستقل انتخابات پیروز این رقابت اعلام شد. سازمان ملل متعدد و ناظران خارجی و داخلی این انتخابات را آزاد و منصفانه دانستند. باگبو با ادعای تقلب رأی دهنگان و ارتعاب گری در برخی مناطق کشور، از پذیرش نتایج سر باز زد و واتارا و باگبو هر دو در 3 دسامبر برای آغاز دوره جدید ریاست جمهوری سوگند یاد کردند. در پایان سال، پر زی دنت واتارا دولت خود را از دفتر خود در هتل گلف آبیجان و تحت محاصره نیروهای حامی باگبو اداره می کرد. باگبو کنترل منابع و امکانات کشور از جمله شبکه تلویزیون ملی، نیروهای امنیتی، و خزانه داری را همچنان در دست داشت. گزارش های موثقی از موارد نقض حقوق بشر در خلال این مدت دریافت شد. در 16 دسامبر، حامیان پر زی دنت واتارا در جریان راهپیمایی اعتراضی هدف گلوله نیروهای امنیتی قرار گرفتند. این حادثه دست کم 20 کشته و شمار زیادی مجروح بر جای گذاشت و صدها نفر نیز دستگیر شدند. بخش حقوق بشر دفتر سازمان ملل متعدد در ساحل عاج در مدتی که هفته ای بین 15 و 22 دسامبر از کشته شدن 173 نفر، شکنجه و بدرفتاری با 471 نفر، مورد دستگیری و بازداشت خودسرانه، و مفقود شدن 24

نفر خبر داد. اکثر قریب به اتفاق این موارد کشتار فرماضایی، شکنجه، بازداشت، و ناپدیدی، به دست نیروهای امنیتی وفادار به باگبو صورت گرفت. موارد نقض حقوق بشر مربوط به بعد از 31 دسامبر در گزارش سال 2010 لاحظ نشده است.

نقض شدی حقوق بشر همچنان در جمهوری دموکراتیک کنگو و به بخصوص در مناطق شرقی و شمال شرقی کشور که سرشار از معادن غنی است ادامه داشت. اقتدار دولت در این مناطق همچنان یا بسیار ضعیف است یا به طور کلی وجود ندارد. مدافعان حقوق بشر مورد ارعاب و ضرب و جرح قرار گرفته و یا همانند فلوریبرت چیا، فعال بر جسته، حتی به قتل رسیدند. افراد مسلح - اعم از نیروهای امنیتی کشور - با مصونیت از مجازات مرتكب سوء رفتار با مردم و بهره برداری و تجارت غیرقانونی منابع طبیعی، و بخصوص موادمعدنی، شدند. در آمدهای حاصل از تجارت غیرمجاز موادمعدنی ذکر شده، که بخشی از آن به صرف پشتیبانی از درگیری مسلحانه رسید، باعث ادامه ناامنی در شرق کنگو و تشید اوپساع و خیم حقوق بشر شد. گروه های انقلابی و شبه نظامی شرق جمهوری دموکراتیک کنگو با هدف تسلط بر جوامع ساکن مناطق مجاور معادن پول ساز، و کسب درآمدهای فروش موادمعدنی که باعث ابتلاء درگیری و سوء رفتارهای ناشی از آن بود، همچنان کمپین های تجاوز و غارتگری خود را ادامه دادند. بنا بر اطلاعات ارائه شده از جانب منابع موقتی همچون گروه کارشناسان سازمان ملل متعدد در امور جمهوری دموکراتیک کنگو، برخی شرکت های زنجیره عرضه کنگویی و بین المللی توسط تأمین کنندگانی تشکیل شد که با عناصر مسلح - از جمله عناصری در نیروهای امنیتی کشور - معامله داشتند که مرتكب موارد نقض شدی حقوق بشر شدند.

نقض شدی حقوق بشر همچنان در طول سال در کشور نیجریه در جریان بود. پرسنل سرویس های امنیتی اعم از افسران و مأموران پلیس، ارتیش، و سرویس امنیتی کشور مرتكب قتل های فرماضایی شده و ناظر کنندگان، افراد مشکوک به ارتکاب جرم، بازداشت شدگان و محکومان زندانی را مورد شکنجه و ضرب و جرح و سوء رفتار قرار دادند. گروه ضربت مشترک که در سال 2003 با هدف مقابله با بی ثباتی دلتای رود نیجر و با عضویت ارتیش، پلیس و سرویس های امنیتی تشکیل شد، گروه های مبارز و افراد مشکوک به ارتکاب جرم را مورد هجوم قرار داد که این اقدامات منجر به کشته یا زخمی شدن شمار بسیاری از هم افراد متهم به ارتکاب جرم و افراد عادی و غیر نظامی شد. فساد در کلیه سطوح دولتی و در سرتاسر نیروهای امنیتی رایج بود. خشونت قومی مذهبی نیز در طول سال منجر به مرگ و آوارگی افراد شد. شهر یوس و زمین های زراعی و کشتزارهای اطراف آن در ماه های ژانویه و مارس صحنه دو حمله بزرگ بودند. قریب به هزار نفر و اغلب زنان، کودکان و افراد سالخورده، به قتل رسیدند، بر اثر ضربات جان سپردهند و یا زنده سوزانده شدند.

خشونت در سراسر سال 2010 در سودان ادامه داشت. جامعه بین الملل انتخابات سراسری برگزار شده در ماه آوریل را آزاد و منصفانه ندانست و اشکالات زیادی در سرتاسر این فرایند از سوی ناظران مشاهده شد. در دارفور، درگیری دولت، نیروهای شبه نظامی طرفدار دولت، گروه های انقلابی و گروه های قومی همچنان موجب کشته و زخمی شدن و آوارگی غیرنظامیان شد. این خشونت ها، به گزارش سازمان ملل متعدد 2321 کشته بر جای گذاشت که در مقایسه با 875 کشته سال 2009 افزایش یافته است. عملیات بمباران هوایی دولت همچنان ادامه داشت. خشونت مبتنی بر جنسیت، به کار گیری کودکان به عنوان سرباز و ممانعت از فعالیت سازمان های مدافع حقوق بشر و مأموریت نیروهای اتحادیه آفریقا در دارفور مشکلاتی بود که همچنان ادامه داشت. دولت در شمال کشور نمایندگان جامعه مدنی را مورد آزار و ضرب و جرح قرار داد و آنها را دستگیر کرد. در جنوب سودان، درگیری های قومی و حملات ارتیش مقاومت مسیح همچنان موجب کشتار و آوارگی غیرنظامیان شد. طبق برآوردهای سازمان ملل متعدد، خشونت در جنوب سودان در طول سال 986 کشته بر جای گذاشت و به آوارگی 223,708 نفر انجامید. ثبت نام برای شرکت در همه پرسی خودمختراری سودان جنوبی در ماه های نوامبر و دسامبر انجام شد. عدم

پیشرفت در تدارک برگزاری همه پرسی جدایگانه برای تعیین الحاق منطقه مرزی ابی به شمال و جنوب به خشونت های پراکنده و افزایش تنش ها در منطقه منجر شد.

در زیمبابوه، ذیروهای امنیتی، پلیس، و اعضای دولت تحت سلطنت اتحادیه ملی آفریقا و جبهه میهنی (PF-ZANU) همچنان با مصونیت از مجازات مرتكب موارد نقض شدید حقوق بشر شدند که شکنجه فعالان سیاسی و اعضای احزاب غیر از PF-ZANU، رهبران دانشجویی، و فعالان جامعه مدنی از جمله آنهاست. سلطنت و نفوذ PF-ZANU در فرایند سیاسی کشور از طریق اتهامات جعلی و دستگیری های خودسرانه، ارعاب گری و فساد در عمل شهروندان را از حق تعویض دولت محروم ساخت. اگرچه ذیمة نخست سال 2010 با حادث کمتری همراه بود، اما انتظار برگزاری انتخابات در سال 2011 در ماه های پایانی دوره گزارش به افزایش موارد آزار و ارعاب سازمان های جامعه مدنی و اصحاب رسانه ها منجر شد. دولت همچنان با توسل به قوانین سرکوبگر مانع آزادی بیان از جمله در میان مطبوعات، آزادی تجمع، آزادی تشکل، و آزادی حرکت شد. سوء رفتارها در معادن الماس مارانژ نیز به دست ذیروهای نظامی و مأموران دولتی ادامه داشت.

آسیای شرقی و پاسیفیک

در برمیه، علیرغم آزادی آن سانگ سو چی، بیش از 2,100 زندانی سیاسی در پایان سال 2010 در حبس بودند. فعالان جامعه مدنی برای مدت نامحدود و بدون تقهیم اتهام در بازداشت بودند و فعالان دموکراتی خواه مورد مزاحمت و بدرفتاری سازمان های تحت حمایت رژیم قرار داشتند. دولت به طور منظم به حریم خصوصی افراد تجاوز کرد و آزادی بیان، مطبوعات، تجمع، تشکل، مذهب و حرکت را محدود ساخت. دولت مانع فعالیت مستقل سازمان های غیردولتی مدافعان حقوق بشر داخلی شد و سازمان های غیردولتی بین المللی با فضای سختی مواجه بودند. انتخابات پاییز سال 2010 نه آزاد و نه منصفانه بود. فعالیت های روحانیون بودایی تحت نظرارت دقیق دولت قرار داشت. غیرنظامیان ساکن مناطق اقلیت قومی مورد سوء رفتار و تخلفات شدید ذیروهای نظامی برمیه قرار داشتند. تجاوز جنسی، شکنجه، نقل مکان اجباری و کار اجباری از جمله این قانونی کودکان سرباز، و تجارت انسان و بخصوص زنان و دختران ادامه داشت. حقوق کارگر همچنان تحدید شد و کار اجباری، اعم از کار اجباری کودکان، ادامه داشت.

در کامبوج، ذیروهای امنیتی، با مصونیت از مجازات و به طور خودسر، مرتكب قتل شدند. ناظران حقوق بشر با اشاره به ضعف نظام قضایی و محرومیت افراد از حق محاکمه عادلانه، خبر از دستگیری های خودسرانه و بازداشت های طولانی مدت پیش از محکمه دادند. تحدید آزادی تجمع و بیان، از جمله برای خبرنگاران ادامه داشت و سوء استفاده از دادخواهی علیه مخالفان به اتهام تخریب و هتک آبرو و نشر اکاذیب رو به افزایش بود. جامعه مدنی کشور ابراز نگرانی کرد که پیشنهاد قانون انجمان ها و سازمان های غیردولتی، در صورت تصویب، می تواند موجب محدودیت شدید فعالیت سازمان های غیردولتی شود. پیشنهاد قانونی این شده که در ماه دسامبر منتشر شد، در صورت تصویب الزامات گزارش دهی سختی را بر سازمان های غیر دولتی تحمیل می کند، مانع اخذ مجوز قانونی انجمان های دارای کمتر از 21 عضو (که بعداً به 11 نفر هم کاهش یافت) می گردد، موانع قابل توجهی را برای اخذ مجوز رسمی سازمان های غیر دولتی خارجی به وجود می آورد، سازمان های غیردولتی خارجی را مکلف به همکاری با دولت می کند، و فعالیت سازمان های غیردولتی فاقد مجوز را ممنوع می سازد. فعالیت کارفرمایان بر ضد اتحادیه های کارگری و اجرایی ضعیف قوانین کار ادامه داشت و مشکل بهره برداری از کار کودک در بخش غیر رسمی همچنان به چشم می خورد.

در کشور چین، روند منفی موجود در بخش های کلیدی حوزه حقوق بشر همچنان ادامه داشت. دولت در سال 2010 محدودیت فعالیت وکلا، فعالان، و بلاگ نویسان، و روزنامه نگاران و نظارت بر جامعه مدنی را تشید کرد و تلاش های خود را در جهت تحدي د آزادی سخن و نظارت بر مطبوعات، اینترنت و دسترسی به اینترنت را گسترش داد. مقامات همچنین تدبیر فرماقونی مختلفی، از جمله ناپدید شدنی اجباری، بازداشت خنگی متعلق، بازداشت خودسرانه افراد در "زندان های سیاه" و دیگر اشکال "بازداشت نرم" برای منظور خاموش کردن صدایی مستقل و مجازات فعالان و خانواده های شان به کار گرفتند. چن گوناگ چنگ، فعل حقوقی، به همراه همسر و فرزندش، همانند دیگر زندانیان سیاسی آزاد شده همچنان در بازداشت خانگی قرار داشتند. وکلای مدافع منافع عمومی که در چارچوب قانونی چین فعالیت داشتند به دلیل دفاع از موکلان و پرونده های مربوط به مسائلی که توسط دولت حساس تلقی می شود، یا منوع الوکاله شدند، یا مورد ضرب و جر قرار گرفتند، و یا به اصطلاح "ناپدید" شدند. و بلاگ نویسان و مدیران تارنماهای اینترنتی به دلیل درج مجدد پیامی در تارنماهای تویتر یا مدیریت تارنماهی که دیگران در آن نظرات خود را درج کردند دستگیر و به "افدام علیه نظام کشور" متهم شدند. همچنین، سرکوبگری شدید فرهنگی و مذهبی اقلیت های قومی دولت در منطقه خودمختار اویغور شیون جیانگ و مناطق تبت ادامه داشت.

وضعیت حقوق بشر در کره شمالی همچنان تیره و دلخراش بود. جریان اطلاعات به داخل و خارج کشور، در طول سال، تحت نظارت دقیق دولت قرار داشت. دولت شهر وندان خود را از حق تشریفات صحیح قانونی محروم و افراد را به دلایل مختلفی از جمله جرایم سیاسی به طور خودسر بازداشت کرد. فراریان از کشور و سازمان های غیردولتی از نقض شدید و نظام مند حقوق بشر در سرتاسر شبکه گسترش زندان ها و بازداشتگاه های کشور خبر دادند. علاوه بر این، اجرای تدبیر نظارتی شدید دولت بر آزادی سخن، مطبوعات، تجمع، تشکل، مذهب، حرکت و حقوق کارگر ادامه داشت. سازمان داخلی مستقلی در حوزه نظارت بر حقوق بشر وجود نداشت و خودداری دولت از دادن اجازه دسترسی به سازمان های بین المللی و سازمان های غیردولتی خارجی، کار ارزیابی دقیق حد و حدود واقعی سوء رفتار های جاری در کشور و یا تعیین صحت این گزارش ها را غیرممکن ساخت.

در ویتنام، اقدامات دولت در سرکوب مخالفت و دگراندیشی، تشید د تدبیر نظارتی بر مطبوعات، و تحدي د آزادی بیان، تجمع، حرکت، و تشکل ادامه داشت. افراد به خاطر فعالیت های سیاسی به طور خودسر بازداشت و از حق محکمه عادلانه و سریع محروم شدند. دولت دست کم 25 فعال سیاسی را دستگیر، 14 دگراندیش دستگیر شده در سال های 2008، 2009 و 2010 را محکوم، و درخواست تجدیدنظر 10 دگراندیش دیگر که در پایان سال 2009 محکوم شده بودند را رد کرد. نظام قضایی کشور شدیداً تحت تأثیر نفوذ سیاسی، فساد درونی، و ناکارآمدی بود. کماکان، تناسبی بین تفسیر آزادی مذهب و صیانت از این آزادی به ویژه در سطوح استانی و روستایی وجود نداشت. آزادی اینترنت با اقدامات دولت در سامان دادن به حملات به تارنماهای منتقد و تحت نظر داشتن و بلاگ نویسان دگراندیش بیش از پیش محدود شد. حق کارگران در تشکیل و پیوستن به اتحادیه های مستقل نیز توسط دولت محدود شد.

اروپا

در بلاروس، مقامات کشور، روزنامه نگاران و نمایندگان جامعه مدنی و فعالان دموکراتی خواه را به طور خودسر دستگیر، بازداشت و زندانی کردند. در پی انتخابات ریاست جمهوری دسامبر 2010 که با اشکالاتی برگزار شد، مقامات اقدامات با اقدام گسترش در برخورد با ناظه ر کنندگان، نزدیک به 700 نفر را بازداشت کرده و دفاتر کار و آپارتمان های متعلق به اصحاب

رسانه های مستقل، سازمان های غیردولتی، و مخالفان سیاسی را مورد هجوم و نفیش قرار دادند. بیش از 40 نفر، از جمله تعدادی از نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری، هم اکنون با محکومیت های تا 15 سال حبس مواجهند. دولت بلاروس با چنین بازداشت ها و محاکماتی دائماً در حال اضافه کردن نام های تازه ای به فهرست زندانیان سیاسی این کشور است. دستگاه قضائی این کشور فاقد استقلال و تحت تأثیر فساد، ناکارآمدی، و دخالت های سیاسی بود. نتیجه محاکمات بعضی از پیش تعیین شده بود و بسیاری از محاکمات به طور غیر علی برگزار شد. فساد دولتی همچنان در سرتاسر دولت مشکل آفرین بود.

در روسیه، دولت با بازداشت برخی تظاهر کنندگان و ادامه فشارها بر ضد سازمان های غیردولتی خاص، رسانه های مستقل، برخی اقلیت های مذهبی، اتحادیه های مستقل کارگری و مخالفان سیاسی، آزادی بیان، آزادی تجمع و آزادی تشکیل را نقض کرد. حملات به روزنامه نگاران و فعالان و قتل آنها همچنان ادامه داشت. گزارش هایی حاکی از ضرب و جرح افراد به دست پلیس، مرگ های مربوط به بیگاری در ارتش، و شرایط سخت زندان ها بود. نقض حاکمیت قانون و تشریفات صحیح قانونی همچنان مشکل ساز و فساد دولتی شایع بود. حملات ناشی از بیگانه هراسی، و مسائل نژادی و قومی و جرایم ناشی از نفرت مشکلات قابل توجیه بود که همچنان ادامه داشت. درگیری دولت و ستیزه جویان، مبارزان اسلامی، و ذیروهای تبهکار در شمال فقavar به موارد متعدد نقض حقوق بشر توسط همه طرف ها منجر شد که بنا بر گزارش ها، به کشتار، شکنجه، سوء رفتار، خشونت ورزی و آدم ربایی های با انگیزه سیاسی پرداختند.

در اوکراین، علیرغم آغاز سال با انتخابات آزاد و منصفانه ریاست جمهوری، روند کلی در 2010 به دلیل اشکالات انتخابات محلی، ارتعاب رسانه ها، و از دیدگاه برخی ها، پیگرد گزینشی چهره های مخالف منفی بود. ناظران بین المللی و داخلی با استناد به ثبت فهرست های جعلی نامزدهای مخالف، فشار دولت به ناظران و نامزدهای انتخابات، و اقدام مسئولان انتخابات در خروج یا حذف نامزدان از برگه های رأی - که اونها همه نگرانی های را در مورد برنامه های بعدی دولت برای اصلاحات انتخابات ایجاد کرد - انتخابات محلی ماه اکتبر را از لحاظ استاندارد همتراز با انتخابات ریاست جمهوری ندانستند. علاوه بر این، گزارش های متعددی حاکی از مبادرت مقامات به جهت دھی گزارش های رسانه ها و ارتعاب روزنامه نگاران بود. دولت اگرچه در سال 2009 گام هایی را در جهت مبارزه هرچه بهتر با فساد برداشت، اما جامعه بین الملل ابراز نگرانی کرد که تحقیقات جنایی سال 2010 دولت جدید از 30 تن از اعضای دولت پیشین به اتهام فساد با انگیزه سیاسی صورت می گیرد. از این 30 تن، تعدادی بازداشت و متعاقباً تنهیم اتهام شدند.

خاور نزدیک

تشهی های سیاسی در هفته های منتهی به ماه اکتبر، کشور بحرین را فرا گرفت. دولت بیش از 200 مرد شیعه را به اتهام تحریک یا شرکت در خشونت های خیابانی دستگیر کرد. تعدادی از دستگیر شدگان، و نه همه آنها، از چهره های دو گروه جنبش حق و وفای اسلامی بودند که با سلطنت مخالف بوده، خواهان تحریم انتخابات شده بودند. دولت، 23 تن از دستگیر شدگان را بر اساس قانون ضد تروریستی مصوب 2006 به دست داشتن در یک "شبکه تروریستی" متهم کرد. روند انتخابات کشور نیز به دلیل توقیف تارنامها و خبرنامه های دو حزب اصلی و قانونی جناح مخالف خدشه دار شد. دولت به ناظران خارجی اجازه نظارت بر این انتخابات را نداد. دولت همچنان به اقدامات خود در محدود ساختن آزادی تجمع و آزادی مشارکت اجتماعی ادامه داد. ذیروهای امنیتی در طول سال در تظاهرات دخالت کرده و گردهمایی های سیاسی را محدود و کنترل کردند. سازمان های غیردولتی و گروه های جامعه مدنی باید نزد دولت ثبت می شدند و فهرست اعضای خود را به مقامات تسییم می

کر دند. در ماه سپتامبر، وزارت توسعه اجتماعی با صدور حکم انحلال هیئت مدیره جامعه حقوق بشر بحرین و انتصاب یک کارمند وزارتخانه به عنوان رئیس موقت این گروه، عملًا این سازمان محلی مدافعان حقوق بشر را تعطیل کرد.

به گزارش منابع متعدد، دولت ایران در طی سال، قریب به 312 نفر را خارج از مراحل قانونی اعدام کرد. بسیاری از این اعدام‌ها پس از محاکمات غیرعلیٰ یا بدون طی شدن مراحل صحیح قانونی اجرا شد. در بسیاری از موارد، افرادی که در ظاهر به خاطر جرایمی همچون قلاچاق مواد مخدر اعدام شدند در واقع از مخالفان و دگراندیشان سیاسی بودند. مقامات، زندانیان سیاسی را در حبس نگاه داشته و برخورد با اصلاح طلبان دفاع حقق زن، فعالان دفاع حقوق اقلیت‌های قومی، فعالان دانشجویی، و اقلیت‌های مذهبی ادامه داشت. استقلال قضایی اندک، و محاکمات علیٰ عادلانه انگشت شمار بود. دولت محدودیت‌های شدیدی را برای حق برخورداری از حریم خصوصی و آزادی‌های مدنی، اعم از آزادی بیان، از جمله برای اصحاب مطبوعات، آزادی تجمع، آزادی تشكل، و آزادی حرکت قائل شد و آزادی مذهب را نیز به شدت محدود ساخت. حمله به جوانانی که پوشش یا فعالیت به اصطلاح "غیر اسلامی" داشتند، هجوم به منازل شخصی، بد رفتاری با زوج‌هایی که با یکدیگر ازدواج نکرده اند، و بر هم زدن کنسرت‌های موسیقی توسط نیروهای خودسر ادامه داشت. خشونت و تبعیض قانونی و اجتماعی بر ضد زنان، کوکان، اقلیت‌های قومی و مذهبی، و زنان و دگرباشان جنسی ادامه داشت.

در حالی که برگزاری انتخابات معترض و مشروع ملی مجلس 7 مارس در هر 18 استان کشور نشان از دستاوردهای مهمی در پیشبرد اجرای اصول و موازن حقوق بشر داشت، خشونت افراطی‌ون در کنار عملکرد ضعیف دولت در پاسداری از اصل حاکمیت قانون، به موارد گسترده نقض شدی‌د حقوق بشر در عراق انجامید. گزارش‌هایی وجود داشت که بر اساس آنها دولت یا مأموران آن، اغلب با مصونیت از مجازات، مرتكب موارد متعددی قتل خودسرانه‌یا خلاف قانون، بازداشت خودسرانه، و شکنجه مرتبط با عملیات امنیتی دولت شدند. حملات القاعده عراق و افراطی‌ون در اغلب موارد مناطق شهری، کلوساهای مسیحی، بازارهای محله‌های شیعه مسئولان دولت، و غیرنظامیان ادامه داشت و در اغلب موارد مناطق شهری، کلوساهای مسیحی، بازارهای محله‌های شیعه نشین، و مساجد هدف قرار گرفتند. در 10 مه، بمب گذاری‌ها و تیراندازی‌های هماهنگ در سرتاسر عراق 119 کشته از جمله از افراد نیروهای امنیتی عراق و مأموران انتظامی بر جای گذاشت. در 17 اوت، یک بمب گذار انتحاری خود را در میان جمعی از سربازان ارتش منفجر کرد که این حادثه 61 کشته بر جای گذاشت. در طول سال، 962 تن از کارکنان وزارت کشور کشته و 1347 نفر مجروح شدند. مأموران پلیس به خصوص مورد هدف قرار گرفتند.

در لیبی، سرهنگ فذافی و نزدیکان او ابعاد تصمیم‌گیری را در دولت به طور کامل در انحصار خود داشتند. مشکلات مستمر در حوزه حقوق بشر، شامل شکنجه، دستگیری خودسرانه، مصونیت مسئولان از مجازات، و شرایط نامناسب زندان‌ها بود. تعدادی کثیر اما نامعلومی از افراد به دلیل شرکت در فعالیت‌های سیاسی مسالمت‌آمیز یا عضویت در سازمان‌های سیاسی غیرقانونی در بازداشت یا زندان بودند. دولت، محدودیت‌های قابل توجه ای را برای آزادی رسانه‌ها قائل شد و به اقدامات خود در محدود سازی آزادی بیان ادامه داد و تماس‌های تلفنی و استفاده از اینترنت اعم از نامه‌های الکترونیکی ارسالی به کشورهای خارجی را به طور منظم زیر نظر داشت. فعالان سیاسی و سازمان‌های خارجی نیز زیر نظر بودند. تمامی مطبوعات و شبکه‌های رادیو و تلویزیون کمایش تحت مالکیت و سیطره دولت قرار داشتند و دیدگاه‌های ناسازگار با سیاست‌های رسمی در رسانه‌های تحت کنترل دولت نه منتشر و نه پخش شد. سازمان امنیت داخلی کشور به طور منظم مزاحم روزنامه نگاران بود و مفاد به شدت وسیع قانون کیفری به عنوان مبنایی برای وارد ساختن منظم اتهام تخریب و تهمت و افترا عمل کرد. آزادی تجمع به شدت از سوی دولت محدود شد و برگزاری تجمعات عمومی تنها با مجوز رسمی ممکن بود. دولت حق آزادی تشكل را محدود کرد و به طور کلی تنها به نهادهای وابسته به دولت اجازه فعالیت داد. هیچ سازمان

غیردولتی ای در کشور فعالیت نداشت. در ماه های نخست سال 2011، اعتراضات مردمی سرتاسر لیبی را فرا گرفت. اما این تحولات خارج از دوره گزارش حادث شد و به این دلیل در این گزارش لاحظ نمی شوند.

در سوریه، ذیروهای امنیتی با مصوّبیت از مجازات، مرتکب انجام مجازات مرگ غیرقانونی شدند، فعالان سیاسی و مدافع حقوق بشر را بازداشت کردند، و زندانیان و بازداشت شدگان را مورد ضرب و جرح و شکنجه قرار دادند. دولت چند چهره شاخص فعال در حوزه حقوق بشر و جامعه مدنی را به زندان انداخت که این علاوه بر 2500 تا 3000 زندانی سیاسی این کشور است. بازداشت طولانی مدت پیش از محکمه و بدون حق تماس با بیرون، همچنان به عنوان مشکلی جدی مطرح بود و در دادگاه ها، از "اعترافات" اجباری استفاده شد. ادعاهای شکنجه شدن متهمان تقریباً هیچگاه مورد رسیدگی قرار نگرفت. آزادی های جهانشمول بیان، تجمع و تشكیل، و مذهب و حرکت به شدت توسط دولت محدود شد.

آسیای جنوبی و میانه

و خامت روز افزون اوضاع امنیتی در افغانستان به موارد نقض شدی حقوق بشر انجامید. غیرنظامیان همچنان در صحنۀ درگیری های شدید مسلحانه گرفتار بودند و تلفات ناشی از درگیری ها در طول سال نسبت به سال 2009 ۲۰٪ پانزده درصد افزایش داشت. ذیروهای دولتی و ذیروهای بین المللی طرفدار دولت مسئول تلفات غیرنظامی و به طور مشخص ۱۶ درصد کل تلفات غیرنظامیان بودند. بنا بر گزارش سازمان دیه بان حقوق بشر، در اغلب موارد زخمی یا کشته شدن افراد غیرنظامی، تحقیقات به موقع به عمل نیامد و ذیروهای خطکار پاسخگو قرار داده نشدند. حملات طالبان و ستیزه جویان، کشته اعم از قتل های سیاسی، افزایش یافته و تشدید شدند. حداقل ۳۰ نفر در ۱۸ سپتامبر، روز برگزاری انتخابات پارلمانی، کشته شدند و طالبان مسئولیت قتل سه نامزد انتخابات را در زمان مبارزات انتخاباتی بین ماه های ژوئیه و اوت بر عهده گرفتند. در ماه اوت، پنج تن از کارکنان ستاد انتخاباتی فوزیه گیلانی در هرات ربوده و کشته شدند. مسئولان انتخابات نیز مورد حمله قرار گرفتند. این انتخابات به دلیل تقلب و اشکالات گسترده خدشه دار شد. تشکیل دادگاه ویژه رسیدگی به نتایج انتخابات و شکایات، مشارکت ناچیز مردم در انتخابات، و نبود شرایط کافی برای مشارکت زنان از جمله این اشکالات بود. دولت با مشکل مصونیت مسئولان از مجازات و فساد رسمی مواجه بود و در اغلب موارد، تحقیقات مؤثری از تضییع حقوق بشر به دست ذیروهای امنیتی محلی به عمل نیاورد. دستگیری و بازداشت خودسرانه همچنان مشکل آفرین بود و دستگاه قضایی فاقد استقلال لازم بود. آزادی مذهب، اعم از حق تغییر دین، به شدت محدود شد. زنان همچنان قربانی نقض گسترده حقوق بشر و از جمله خشونت، حملات ستیزه جویان در مقابله با تحصیل دختران، دسترسی محدود به عدالت، و محدودیت کلی حق و حقوق بودند.

در پاکستان، ادعاهایی دایر بر قتل و بازداشت فرائض ای غیرنظامیان به دست ذیروهای امنیتی توسط شماری از رسانه ها و سازمان های غیردولتی مطرح شد. در طی سال، موارد گزارش شده شکنجه و تجاوز جنسی به افراد تحت بازداشت، به میزان ۷۲ قابل توجهی افزایش یافت و نسبت به سال 2009 تقریباً دو برابر بیشتر شد. جامعه حقوق بشر و کمک به زندانیان از ۱۶۸ مورد مرگ افراد غیرنظامی پس از برخورد با ذیروهای پلیس و ۱۶۰ مورد مرگ در زندان ها خبر داد که نسبت به سال گذشته افزایش یافته است. عملیات بمب گذاری مبارزان و تروریست ها در چهار استان کشور و در مناطق ایل نشین تحت نظرارت دولت فدرال همچنان کشته و زخمی بر جای گذاشت. بنا بر این گزارش، حملات تروریست ها و افراطیون و عملیات ضد تروریستی و افراط گرایی ۷۴۰۰ کشته بر جای گذاشت که از این تعداد ۱۸۰۰ نفر غیرنظامی، بیش از ۴۵۰ نفر ذیروی امنیتی، و بیش از ۵۱۰۰ نفر تروریست و ستیزه جو بودند. قتل های سیاسی متعددی در کراچی و بلوچستان گزارش

شد. بنا بر گزارشی از داون^[ii]، 1981 نفر در خشونت های سیاسی در کراچی کشته شدند که 748 مورد از آنها، به عنوان قتل هدفمند در نظر گرفته شد. به گزارش سازمان دیده بان حقوق بشر، قتل و ناپدید شدن هدفمند رهبران، فعالان و غیرنظمیان بلوچ در سال 2010 افزایش یافت. نقض آزادی مذهب و خشونت و تبعیض علیه اقلیت های مذهبی ادامه داشت. از افراد متهم به کفرگویی بر ضد اسلام، برخی به حبس ابد یا مرگ محکوم شدند. یکی از این افراد، زنی مسیحی به نام آسیا بی بی بود که در ماه نوامبر به مرگ محکوم شد. او نخستین زنی است که به خاطر کفرگویی مورد چنین مجازات سنگینی قرار می گیرد.

بازداشت های سیاسی همچنان در اربکستان ادامه داشت. اگرچه یک نفر زندانی سیاسی - فعال مدافعان حقوق بشر به نام فرهاد مختارف - در طی سال از زندان آزاد شد، 13 تا 25 زندانی سیاسی در حبس بودند و به گفتة خانواده های این افراد، بسیاری از زندانیان شکنجه شدند. فعالان مدافعان حقوق بشر و اعضای خانواده های آنان و اعضای برخی گروه های مذهبی از آزار و دستگیری توسط پلیس و اعضای سایر نیروهای امنیتی خبر دادند. آزادی بیان به شدت محدود شد و آزار روزنامه نگاران در طی سال شدت گرفت. روزنامه نگاران و خبرنگاران مطبوعات و رادیو و تلویزیون توسط پلیس دستگیر شدند و مورد ارعاب و خشونت قرار گرفتند و محدودیت های اداری نیز برای فعالیت شان وضع شد. طبق قوانین کیفری و اداری، مبالغ سنگینی به عنوان جریمه افtra و تحریب تعیین شد و دولت برای مجازات روزنامه نگاران، فعالان مدافعان حقوق بشر، و سایر افرادی که در انقاد از رئیس جمهوری یا دولت سخن گفتند، آنها را به افtra، تهمت، و تحریب متهم کرد. دولت با وضع محدودیت های سخت قانونی در تعیین انواع گروه هایی که تشکیل و ثبت آنها مجاز است، فعالیت سازمان های غیردولتی و گروه های اسلامی و اقلیت های مذهبی ای که مشمول مقرراتی ذیستند را به شدت تحت کنترل قرار داد. دولت همچنین در فصل برداشت پنبه، از کار اجباری بزرگسالان و کودکان بهره گرفت.

نیم کره غربی

دولت کوبا در طی دوره گزارش بیش از 40 زندانی سیاسی، از جمله تعدادی فعال شاخص مدافعان حقوق بشر که در سال 2003 دستگیر شده بودند را آزاد کرد؛ هرچند آزادی اکثر آنها به شرط ترک کشور بود. دهها زندانی سیاسی دیگر همچنان در کوبا در حبس به سر می برند. حقوق بشر و آزادی های اساسی اعم از آزادی سخن، مطبوعات، تجمع و تشکل، جنبش و مذهب توسط دولت سرکوب شد. گروه های مدافعان حقوق بشر به افزایش آشکار به کارگیری بازداشت کوتاه مدت اشاره کردند که از آن به عنوان حربه ای برای مختل ساختن کار جامعه مدنی و آزار و ایجاد مزاحمت برای فعالان استفاده شد. علاوه بر این، دولت با هدف آزار و بدرفتاری با فعالان و خانواده های آنان، و به ویژه گروه دامادی دیلانکو یا بانوان سفیدپوش^[iii]، اقدام به برگزاری اعتراض های عمومی کرد. اگرچه دولت این تجمعات را خودجوش می خواند، شرکت کنندگان در بسیاری از موارد با خودروهای دولتی آورده شدند، یا توسط رهبران محلی حزب کمونیست کشور از محل های کار یا مدارس مجاور جمع آوری شدند. در شدیدترین موارد، گروه های تشکیل شده از سوی دولت به این افراد حمله و رشتند یا به خانه و اموال آنها خسارت زدند. نیروهای امنیتی با مصونیت از مجازات، فعالان مدافعان حقوق بشر و دموکراسی خواه، مخالفان دگراندیش، روزنامه نگاران مستقل، بازداشت شدگان و زندانیان را مورد آزار و در مواردی ضرب و جرح قرار دادند. دولت روزنامه نگاری مستقل را به رسمیت نشناخت و برخی روزنامه نگاران مستقل را از مسافرت محروم ساخت و مورد بازداشت، آزار، توقيف وسائل و تجهیزات، و تهدید به حبس قرار داد. تجمع غیرمجاز بیش از سه فرد، با حداکثر سه ماه حبس و جریمه قابل مجازات است؛ هرچند این قبیل تجمعات بیشتر متفرق می شوند تا پیگرد و مجازات.

احترام به حقوق بشر و نهادهای دموکراتیک در یک سال گذشته در نویکار اگوئه رو به وحامت گذارد. اعضای معتبر حزب مخالف از حق آزادی تجمع محروم شدند. انتخابات منطقه ای ماه مارس 2010 در ساحل دریای کارائیب با ادعاهای دایر بر ناهنجاری ها و اشکالات گسترده خشنه دار شد و سازمان های غیردولتی معتبر داخل کشور از اجازه نظرارت بر انتخابات محروم شدند. سیاسی شدن دستگاه قضایی و سایر نهادهای دولتی، دخالت وسیع دولت در آزادی رسانه ها و ایجاد مزاحمت برای سازمان های غیردولتی و روزنامه نگاران از جمله مسائل دیگر در این کشور است. پلیس در محافظت از تظاهر کنندگان معارض به سیاست های دولت اقدامی صورت نداد و به گروه های طرفدار دولت اجازه داد تا دست به خشونت بزنند. رهبران مذهبی که نسبت به شیوه ها و سیاست های دولت و تأثیر آنها بر مشارکت عمومی و آزادی های دموکراتیک ابراز نگرانی کردند همچنان مورد انتقاد دولت قرار داشتند. مسئولان کلیسای کاتولیک که دستکاری در فرایند انتخاباتی را محاکوم کردند علاوه بر سرزنش مسئولان دولت واقع شدند.

دولت در ونزوئلا، از دستگاه قضایی کشور به عنوان حربه ای برای ارعاب و اذیت افراد و سازمان هایی استفاده کرد که سیاست های اقدامات دولت را مورد انتقاد قرار دادند. این افراد و سازمان ها شامل معتبرضان صلح جو، روزنامه نگاران، یک قاضی، اعضای احزاب سیاسی مخالف، سازمان های غیردولتی، رهبران اتحادیه ها و مدیران بخش خصوصی، و شهروندان عادی است. مسئولان دولتی همچنین با آزار و ارعاب شبکه های تلویزیونی تحت مالکیت خصوصی، پایگاه های رسانه ای، و روزنامه نگاران از راه تهدید، توافق اموال، اعمال مقررات با هدف خاص، و تحقیقات کیفری و پیگرد قضایی، آزادی بیان را محدود ساختند. در ماه دسامبر، مجلس ملی مجموعه ای از قوانین را تصویب کرد که باعث تضعیف بیش از پیش اصول و شیوه های دموکراتیک در ونزوئلا می شود. این مجموعه شامل قانونی است که با نقض ارزش های مشترک منشور دموکراتیک قاره آمریکا، اختیار قانونگذاری را به رئیس جمهوری تفویض می کند که دوره تصدی او پس از اتمام دوره مجلس به پایان می رسد و قوانین دیگری که محدودیت های تازه ای را برای رسانه های مستقل، اینترنت، احزاب سیاسی و سازمان های غیردولتی به وجود می آورند.